Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۳۱۰۰
یکشنبه ۱۰/ آبان/ ۱۴۰۵
۲۱ / جمادی الاول / ۱۴۴۸
01 / November / 2026

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ناهید حیدری
نشانی: کرج، بلوار نعلبن، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶
فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰

فردا ۰۵:۰

امروز با حافظ

زلفِ چون عنبرِ خامَش که ببوید؟ هیهات
ای دلِ خام‌طمع! این سخن از یاد ببَر
سینه گو «شعله آتشکده فارس بِکُش»
دیده گو «آبِ رخِ دجله بغداد ببَر»

خواندنی

دنیا به اهل خویش ترحم نمی‌کند
آتش امان نمی‌دهد آتش‌پرست را

صائب



اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۰۴	۰۶:۲۹	۱۱:۵۰	۱۷:۱۰	۱۷:۲۹

برگه

زندگی کشف خود نیست، ساختن خود است.

جرج برنارد شاو

گزارش روز

مذاکره به معنای تسلیم نیست



مناقشه ایران و آمریکا از مرحله مهار تنش و چانه‌زنی عبور کرده و به نقطه تعیین تکلیف رسیده است. در چنین شرایطی، پیام معاون رئیس جمهور آمریکا برای ازسرگیری مذاکرات، لابد می‌تواند تلاشی برای فریب و خرید زمان باشد و یا پنجره فرصت برای جلوگیری از بازگشت جنگ.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، آیا می‌توان بدون اعتماد به آمریکا، از فرصت دیپلماسی برای تأمین منافع کشور و نظام استفاده کرد؟ زمامداری، چیزی جز تصمیم‌گیری به‌موقع در شرایط دشوار نیست. پس اگر حتی احتمال دستیابی به توافق اندک باشد و پس از انتخابات آمریکا سایه جنگ سنگین‌تر شود، پاسخ مثبت به پیشنهاد گفت‌وگو و انجام دیدار در روزهای آینده، از نظر تاکتیکی و راهبردی اهمیت دارد.

نخست، این دیدار می‌تواند فرصتی برای جلوگیری از حمله مجدد آمریکا یا دستکم دشوارتر کردن توجیه و اجرای آن فراهم کند.

دوم، در افکارعمومی دنیا نباید چنین تصویری شکل بگیرد که واشنگتن راه دیپلماسی را کشوده و تهران از رابسته است. پذیرش گفت‌وگو، باز نگه داشتن مسیری است که شاید بتواند هزینه‌های سنگین‌تری را از کشور دور کند. نباید اجازه داد جنگ، به‌عنوان سرنوشت محتوم ایران پذیرفته شود.

واشنگتن خواهان آن است که پیش از کاهش تحریم‌ها، مذاکرات هسته‌ای از سر گرفته شود. تهران هم کاهش تحریم‌ها را پیش‌شرط ورود به مذاکره می‌داند. اگر دو طرف بر سر تقدم و تأخر این مراحل متوقف بمانند، پیش از ورود به اصل اختلاف‌ها، فرصت و زمان از دست خواهد رفت. راه واقع‌بینانه، عبور از این بن‌بست با طراحی یک بسته جامع و هم‌زمان است که گام‌های هسته‌ای، کاهش تحریم‌ها و ترتیبات مربوط به تنگه هرمز را در یک جدول زمانی واحد، با تعهدات متقابل و ســازوکارهای روشن راستی‌آزمایی به هم پیوند دهد.

اقتدار تصمیم‌گیری، پیش‌شرط مذاکره مؤثر است. مذاکره‌کننده‌ای که پشتوانه یکپارچه سیاسی نداشته باشد، نمی‌تواند توافقی معتبر و قابل اجرا به دست آورد. اگر هر موضع رسمی، روز بعد با اظهارنظر یک جریان یا مرکز قدرت دیگر تضعیف شود، دشمن به این نتیجه می‌رسد که توافق با تهران تضمین اجرایی ندارد. از این زاویه نامه ونس می‌تواند فرصتی برای شکل‌گیری یک پیام واحد و برخوردار از پشتوانه حاکمیتی باشد. پاسخ ایران باید حاصل تصمیمی روشن در سطح عالی کشور باشد، با مأموریتی مشخص، اختیارات کافی و حمایت همه ارکان مســئول. تضعیف یا تخریب پیشــاپیش مذاکره‌کنندگان نیــز تنها از وزن موضع کشــورمان می‌کاهد.

نگرانی از اینکه پیشنهاد مذاکره صرفاً با هدف فریب و خرید زمان مطرح شده باشد، جدی است. اما این احتمال نباید بهانه‌ای برای کنار گذاشتن دیپلماسی شود.

برای این منظور، چند اصل ضروری است.

نخست، آمادگی دفاعی کشور باید بدون وقفه حفظ شود تا مذاکره به معنای عقب‌نشینی یا قرار گرفتن در موضع ضعف تلقی نشود.

دوم، دستور کار، اهداف و خطوط قرمز پیش از آغاز دیدار به‌روشنی تعیین شود.

سوم، برای هر مرحله از گفت‌وگو زمان‌بندی مشخصی در نظر گرفته شود تا مذاکرات به فرایندی فرسایشی و بی‌پایان تبدیل نشود.

چهارم، از ظرفیت میانجی‌هایی مثــل قطر، ترکیه و پاکستان برای تسهیل گفت‌وگو و ثبت تعهدات متقابل استفاده شود.

پنجم، ایران باید ابتکار روایت دیپلماتیک را نیز در دست بگیرد و موضع خود را برای اقتدار عمومی جهان روشن کند که ما از گفت‌وگو استقبال می‌کنیم، اما مذاکره را بر پایه منافع ملی، تعهدات متقابل و تضمین‌های قابل راستی‌آزمایی می‌پذیریم.

البته منتقدان مذاکره هم استدلال‌هایی دارند. از نگاه آنها امتیاز دادن زیر سایه تهدید، مذاکره نیست و تسلیم در برابر فشــار است. ابهام در مواضع ترامپ نیز این نگرانی را تقویت می‌کند که نامه اخیر بیش از آنکه نشانه اراده واقعی برای حل اختلاف باشد، ابزاری برای فشار بر تهران یا ماتوری با ملاحظات سیاسی و انتخاباتی باشد. تجربه اسلام‌آباد هم نشان داده که توافق‌های شتاب‌زده و فاقد پشــتوانه محکم، به‌سرعت شکننده می‌شوند. علاوه بر این، بازگشایی تنگه هرمز بیش از دستیابی به ترتیباتی متقابل، ممکن است یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ایران را تضعیف کند. برخی هم معتقدند گذشت زمان، با افزایش فشــارهای اقتصادی و سیاسی بر واشنگتن، موقعیت ترامپ را دشوارتر و او را به عقب‌نشینی وادار می‌کند.

در مقابل، موافقان مذاکره تأکید می‌کنند که حضور در یک دیدار، به معنای پذیرش خواسته‌های طرف مقابل یا دادن امتیاز نیســت. ایران می‌تواند با حفظ آمادگی دفاعی و اهرم‌های راهبردی خود، وارد گفت‌وگو شــود و درباره یک بســته متوازن، با تعهدات هم‌زمان و قابل راســتی‌آزمایی مذاکره کند. از ایــن منظر، اهرم تنگه هرمز نه با بی‌پاسخ گذاشتن پیشنهاد دیپلماسی، بلکه با مدیریت هوشمندانه و پیوند دادن آن به تعهدات متقابل حفظ می‌شود.

در این میان، نباید از وضعیت داخلی کشور غافل شویم. مردم، با وجود همه اختلاف‌نظرها و گلایه‌ها، در دفاع از ایران در برابر تجاوز خارجی ایستادگی کرده‌اند. اما جامعه بانگرانی از شرایط اقتصادی، اختلال در ارتباطات و فقدان چشم‌انداز روشن روبه‌روست. مردم می‌پذیرند که کشور در وضعیت جنگی قرار دارد، اما از حکمرانی نیز انتظار دارند متناسب با همین وضعیت رفتار کند. در شرایط جنگی، تصمیم‌گیری‌های پراکنده، تعدد مراکز غیررسمی قدرت، اختلافات علنی و معرفــی مکرر افراد به‌عنوان مســئول اداره امور، بدون آنکــه فرصت و اختیار کافی برای انجام مأموریت داشته باشند، پیام اطمینان‌بخشی به جامعه نمی‌دهد. تأسف‌بارتر آنکه برخی مسئولانی که در دشوارترین شرایط مسئولیت پذیرفته‌اند، پیش از آنکه مجال عمل پیدا کنند، آماج حملات سیاسی و تخریب جناحی قرار می‌گیرند.

نباید اجــازه داد تُندروی‌های داخلــی، فرصت‌های دیپلماتیک را پیش از آزموده شدن از میان ببرند. اکنون ایران به تصمیم‌های شجاعانه، واقع‌بینانه و به‌موقع نیاز دارد. هنر حکمرانی آن نیست که کشور را تا آخرین نقطه تحمل جامعه در وضعیت بحران نگه داریم، هنر حکمرانی آن است که پیش از آنکه هزینه‌های یک بحران غیرقابل جبران شود، راه خروجی برای آن پیدا کنیم.

اشاره

«دیپلم دلاری» در بن‌بست ارزشیابی

«ژیان انگلیســی پســرم خیلی خوب است و ما فکر می‌کردیم سیستم آموزشــی مدارس خودمان برای ایده‌پــردازی و مهارت‌آموزی او کافی نیســت. لذا با هزینه سنگین، او را وارد این دوره‌های آنلاین کردیم تا با استانداردهای جهانی درس بخواند. مدیران این پلتفرم‌ها طوری تبلیغ می‌کنند که آدم فکر می‌کند فرزندی بی‌نقص برای بازار کار جهانی تربیت می‌کنند اما هیچ‌کس به ما نگفت که این مسیر از نظر قوانین داخلی یک بن‌بست کامل است.

به گزارش پیام آشــنا به نقل از ایران، گســترش ابزارهــای ارتباطی و تحولات آموزش در بســتروب پس از همه‌گیری کرونا، الگوهای ســنتی تدریس را دســتخوش دگرگونی‌های جدی کرده است. با این حال، در ســایه نبود آگاهی و عطش روزافزون برخی خانواده‌هــا برای فراهــم کردن ورود فرزندان‌شــان به دانشــگاه‌های مطرح جهان، پدیــده‌ای نوظهور و نگران‌کننده به نام «مــدارس آنلاین بین‌المللی» در فضای مجازی قدعلم کرده است. مراکزی که با الهام از مدل «آموزش در خانه و با وعده اعطای مدرک معتبر کشــورهایی نظیر کانادا و بریتانیا بدون نیاز به ترک خاک کشــور»، خانواده‌ها را به پرداخت شهریه‌های سنگین و نجومی دلاری ترغیب می‌کنند. ارقامی که در ســال تحصیلی جاری گاه از مرز ۷ تا ۸ هزار دلار، یعنی بیش از یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان عبور می‌کنند؛ هزینه‌ای گزاف کــه در نهایت خروجی آن چیزی جز سراب و بی‌اعتباری در نظام آموزش رسمی جمهوری اسلامی ایران نیست.

تب تند مهاجرت تحصیلی بدون اخذ ویزا

یک جســتوجوی ســاده در موتورهای جســتوجو و شبکه‌های اجتماعی، دریچه‌ای از تبلیغات پررزق‌وبرق را پیــش روی مخاطــب باز می‌کنــد: «تحصیل در دبیرســتان‌های معتبر کانادا از خانه»، «بدون نیاز به ویزا و هزینه‌های سرسام‌آور اقامت، دیپلم بین‌المللی بگیریــد» و «بلی مطمئن بــرای ورود تضمینی به دانشگاه‌های تراز اول جهان». در این شیوه، خانواده با این تصور که دیگر نیازی به پرداخت صدها هزاردلار هزینه اسکان، شهریه حضوری دانش‌آموزی در خارج از کشــور و پذیرفتن خطــرات دوری و غربت فرزند در ســنین حســاس نوجوانی نیســت، فریب حذف هزینه‌های ســفر و اقامت را می‌خورد. سیستم مالی این مؤسسات به دو شیوه عمل می‌کند؛ برخی تمام شهریه سالانه را یک‌جا مطالبه می‌کنند و برخی دیگر براســاس «تعداد درس‌های انتخابی» صورت‌حساب دلاری تنظیم می‌کنند. برای مثال، در مدارس آنلاین منتســب به کانادا، هزینه تحصیل ســالانه حدود ۷ تا ۸ هزار دلار اســت؛ مبالغی که از یکمونیم میلیارد تومان فراتر می‌رود. اما سؤال بنیادین این است: پشت پرده این درگاه‌های مجازی چیســت و مدارک آنها چه سرنوشــتی در ایران و حتی خارج از مرزها پیدا خواهند کرد؟

برای درک بهتر چرایی گرایش والدین به این مدارس و چالش‌هایی که با آن دســته‌گریبانند، پای صحبت چند تن از خانواده‌هایی نشستیم که فرزندان‌شان را در این پلتفرم‌ها ثبت‌نام کرده‌اند.

«ســارا-م.»، مادری که دختر ۱۵ ســاله‌اش را از طریق یک مؤسسه واسطه در دبیرســتانی مجازی در تورنتو ثبت‌نام کرده اســت، در گفت‌وگو با روزنامه «ایران» می‌گوید: «ما همه زندگی‌مان را گذاشــتیم تا دخترم بتواند آینده بهتری داشته باشد. مشاوران این مؤسسه به ما گفتند با پرداخت ســالانه ۷ هزار دلار، نیازی نیســت دخترم در این سن و سال غربت را تحمل کند و دیپلمی می‌گیرد که مستقیم درهای دانشگاه‌های کانادا را به رویش باز می‌کند. اما الان که اخبار را می‌خوانم و متوجه می‌شوم آموزش‌وپرورش این مدرک را قبول ندارد، دچار استرس شدیدی شــده‌ام. ما هزینه گزافی پرداخت کردیم و اگر دخترم نتواند حتی در ایران در کنکور شرکت کند یا مدرکش ارزشیابی نشود، تمام این سرمایه‌گذاری برباد رفته اســت.»

«رعنــا-ک.» پدر یکی دیگر از دانش‌آموزانی اســت که فرزندش هم‌زمان در یک مدرســه غیرانتفاعی در تهران و یک کالج آنلاین خارجی درس می‌خواند. او در گفت‌وگو با «ایران» روایت می‌کند: «ژیان انگلیسی پســر من خیلی خوب اســت و ما فکــر می‌کردیم سیستم آموزشی مدارس خودمان برای ایده‌پردازی و مهارت‌آمــوزی او کافی نیســت. به همین دلیل با هزینه سنگین، او را وارد این دوره‌های آنلاین کردیم تا با اســتانداردهای جهانی درس بخواند. مدیران این پلتفرم‌ها طوری تبلیغ می‌کنند که آدم تصور می‌کند فرزندی بی‌نقص برای بازار کار جهانی تربیت می‌کنند اما هیچ‌کس به ما نگفت که این مســیر از نظر قوانین داخلی یک بن‌بســت کامل اســت.

فعالیت این مراکز در سامانه‌های رسمی ثبت نمی‌شود

برای بررسی دقیق ابعاد قانونی و سرنوشت تحصیلی دانش‌آموزانی که جذب این پلتفرم‌ها می‌شــوند، به سراغ متولی اصلی این حوزه رفتیم. محمد سلیمی، رئیس مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش‌وپرورش در گفت‌وگو با روزنامه «ایران» با تأکید بر غیرقانونی بــودن مطلق این مجموعه‌ها می‌گوید: «اخیراً شاهد فعالیت مراکزی تحت عنوان مدارس آنلاین خارجی هســتیم که بــا الگوبرداری از سیســتم‌های آمــوزش در خانه اقــدام به جذب دانش‌آمــوزان می‌کنند. این مراکز هیچ‌گونه وجاهت قانونی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران ندارند و فعالیت آنها کاملاً غیرمجاز است و هیچ‌یک از این مؤسسات پروانه تأسیس یا تأییدیه نظارتی از وزارت آموزش و پرورش دریافت نکرده‌اند.»

سلیمی درباره وضعیت ثبت‌نام این دانش‌آموزان در سیستم آموزشی کشور می‌گوید: «تکلیف کسانی که والدین باید بدانند این است که دانش‌آموزان این مدارس در هیچ‌کدام از سامانه‌های رسمی آموزش و پرورش ایران، از جمله «سناد» یا «سیدا»، ثبت‌نام نمی‌شوند. در واقع از دیدگاه آموزشــی، ثبت‌نام از ایــن دانش‌آموزان در سیستم آموزش رسمی کشور وجود ندارد و این افراد در عمل در وضعیت بلاتکلیف آموزشی قرار می‌گیرند.»

هیچ رأیی برای این مدارک صادر نمی‌شود

بزرگ‌ترین شوک به والدینی وارد می‌شود که گمان می‌کنند با در دست داشتن یک مدرک خارجی، کار تمام است. سلیمی در پخش دیگری از گفت‌وگو آب پاکی را روی دست خانواده‌هــا می‌ریزد و می‌گوید: «بسیاری از این مراکز با وعده صدور مدرک تحصیلی معتبر، خانواده‌ها را ترغیب به ثبت‌نام می‌کنند، اما این مدارک به‌دلیل عدم‌تبعیت از استانداردهای آموزشی، نظارتی و حقوقی جمهوری اســلامی ایران در داخل کشور هیچ‌گونه اعتباری ندارند. مدارک صادره توسط این مدارس فاقد رأی از ســوی کمیسیون ارزشیابی مدارک تحصیلی خارجی است و مدارک صادره از این مراکز آنلاین به هیچ عنوان مورد بررسی و ارزشیابی قرار نخواهد گرفت.»

او توضیح می‌دهــد: «ما این اوصاف پرونده تحصیلی این دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های کشور یا ورود به مقاطع بالاتر با بن‌بست جدی مواجه خواهند بود.»

شــگردهای زیرزمینی؛ شرکت غیررسمی در امتحانات داخلی و توصیه‌نامه‌های پولی

گسترده فعالیت این مجموعه‌ها صرفا به یک سایت ختم نمی‌شــود. گزارش‌های واصله حکایت از شکل‌گیری یک شبکه واسطه‌گری خطرناک در داخل کشور دارد. براساس گزارش‌های موجود، برخی مؤسسات و افراد با استفاده از ارتباطات خود در مدارس، زمینه ثبت‌نام دانش‌آموزان مسلط به زبان‌های خارجی را در مدارس آنلاین کشورهای دیگر فراهم می‌کنند. در این میان، برخی دانش‌آموزان با توافق‌هایی غیررسمی و بدون حضور فعــال در مدارس ایران، صرفــا در امتحانات شرکت می‌کنند تا مدرک تحصیلی داخلی، دریافت کنند. در روشــی دیگر، بعضی دانش‌آموزان نخبه به شــرکت در کلاس‌های قوی‌برنامه علمی و فرهنگی کالج‌های آنلاین خارجی تشویق می‌شوند و در ازای پرداخت مبالغی، گواهینامه یا توصیه‌نامه‌هایی برای اســتفاده در فرآیندهای احتمالی بورســیه دریافت می‌کنند؛ در حالی که داشــتن یک مدرک مدرسه آنلاین لزوماً به معنای پذیرش در دانشــگاه خارجی نیســت و اگر خانواده‌ای بخواهد از این مدرک برای ادامه تحصیل در ایران اســتفاده کند، با بن‌بســت ارزشیابی روبه‌رو خواهد شد.

برش

چرا هیتلر شیفته این تابلوی نقاشی بود؟

هیتلر در کنار جاه‌طلبی‌های نظامی و کشورگشایی، شیفته هنر نیز بود و قصد داشت اثر مشهور یوهانس ورمیر را به شاهکار محوری موزه‌ای تبدیل کند که می‌خواست در شهر لینتس اتریش بنا کند

به گزارش پیام آشــنا به نقل از فرادیــد، آدولف هیتلر به هنرهای تجسمی علاقه‌ای وســواس‌گونه داشت و معتقد بود انقلاب آثار بزرگ هنری را هنرمندان آلمانی خلق کرده‌اند. یکی از نقاشی‌هایی که توجه او را به خود جلب کرد، تابلوی «خترشتاس» اثر یوهانس ورمیر بود. هیتلر چنان مجذوب این اثر شــد که ادعا کرد ورمیر، نقاش هلندی، اساساً هنرمندی آلمانی بوده است.

هنگامی که نازی‌ها پاریس را اشغال کردند و به جمع‌آوری آثار هنری پرداختند، این تابلو را که متعلق به خانواده روچیلد (خاندان ثروتمند و سرشــناس یهودی) بود مصادره کردند. هیتلر می‌خواست آن را به اثر شــاخص موزه فوهرر در لینتس تبدیل کند. اما با سقوط رایش سوم، تیروهای متفقین این نقاشی را از معدنی تمکی در اتریش بیرون آوردند.

علاقه نازی‌ها نسبت به یوهانس ورمیر

هیتلر که خود هنرمندی ناکام بود و در ورود به مدرســه هنر پذیرفته نشده بود، علاقه‌ای شدید به مطالعه هنرهای تجسمی داشت. او شیفته استادان عصر طلایی نقاشی هلند بود، اما برای تصاحب دستاوردهای آنان، هویت قومی‌شان را به سود ایدئولوژی خود بازتعریف می‌کرد. هیتلر ادعا می‌کرد هلندی‌ها ریشــه ژرمنی دارند و از این طریق می‌کوشید میراث هنری آن‌ها را بخشی از میراث آلمان جلوه دهد.

او به‌ویــژه مجذوب توانایی یوهانس ورمیر در بازتمایی نور و همچنین موضوعات آثارش بود. نقاشی‌های ورمیر، به‌عنوان یکی از استادان بزرگ نقاشی هلند، عمدتا در مالکیت افراد بسیار ثروتمند یا موزه‌ها قرار داشتند. برای تخیگان نازی، تملک یکی از آثار باقی‌مانده این نقاش نشانه‌ای مهم از منزلت و قدرت به شمار می‌رفت.

مصادره مجموعه روچیلد در پاریس

در سال ۱۹۴۰، نازی‌ها به فرانسه حمله کردند و این کشور را به اشغال خود درآوردند. تیروهای آلمانی وارد پاریس شدند و شهر را تحت سلطه گرفتند. قارت موزه‌ها و اموال ثروتمندترین خانواده‌های فرانسه، از جمله خانواده روچیلد، یکی از اولویت‌های هیتلر بود.

تابلوی «خترشــتاس» در مالکیت این خانواده قرار داشــت. عملیات ســازمان‌یافته مصادره آثار هنری ارزشمند را تهادی نازی به نام ستاد عملیاتی رایخس‌لایتر روزنبرگ انجام می‌داد. پس از آنکه تیروهای نازی تابلو را تصاحب کردند، علامت کوچکی از صلیب شکسته را روی آن ثبت کردند.

موزه برنامه‌ریزی‌شده لینتس

هیتلر قصد داشــت در شــهر لینتس اتریش، زادگاه مورد علاقه‌اش، موزه‌ای هنری با عنوان «موزه فوهرر» تأسیس کند؛ موزه‌ای که قرار بود مجموعه‌ای کم‌نظیر از آثار هنری را در خود جای دهد.

او چنان به تابلوی «خترشتاس» علاقه داشت که آن را برای مجموعه خصوصی خود تگه داشــت و اجــازه تداد هرمــان گورینگ، یکی از بلندپایه‌ترین رهبران نازی و از غارتگران عمده آثار هنری، آن را تصاحب کند. علاقه هیتلر به این تابلو تنها به مهارت ورمیر در بازتمایی موضوع اثر محدود نمی‌شد. او تصور می‌کرد این نقاشی می‌تواند ابزاری تبلیغاتی برای نمایش برتری فکری آلمانی‌ها باشــد؛ بردانشی که با ایدئولوژی ملی‌گرایانه رژیم نازی پیوند داشت.

پنهان‌سازی در معادن نمکی آلت‌آوسه

نازی‌ها آثار فرهنگی و تاریخی اروپا را به‌طور گســترده غارت کردند و با تشــدید بمباران‌های متفقین، برای حفاظت از این غنائم آن‌ها را به مکان‌های دور از دسترس منتقل کردند. شماری از آثار هنری ارزشمند به معادن نمکی اتریش، از جمله معدن آلت‌آوسه، انتقال یافتند.

رهبران نازی نمی‌خواستند این آثار به دست متفقین بیفتند. در چارچوب دستورهایی که برای تابودی برخی مخفیگاه‌ها در صورت شکست آلمان صادر شده بود، قرار بود معادن نیز تخریب شوند تا آثار نگهداری‌شده در آن‌ها به دست دشمن نرسند.

بااین‌حال، گروهی که مأمور اجرای عملیات تخریب معدن آلت‌آوسه بود، مأموریت خود را عملی نکرد. در نتیجه، آثار هنری پنهان‌شده در این معدن از تابودی نجات یافتند.

«مردان آثار تاریخی» عنوانی اســت که بــه گروهی از متخصصان و دستورهایی وابسته به متفقین داده می‌شد. مأموریت آن‌ها شناسایی، بازیابی و بازگرداندن آثار هنری و اشیای فرهنگی مفقودشده در جریان جنگ جهانی دوم بود. این فعالیت‌ها در چارچوب برنامه آثار تاریخی، هنرهای زیبا و بایگانی متفقین انجام می‌شد که در سال ۱۹۴۵ شکل گرفت.

این گروه تابلوی «خترشتاس» را در معدن تمکی اتریش پیدا کرد و آن را به خانواده روچیلد در فرانسه بازگرداند.

این تابلو تا امروز نیز علامت صلیب شکسته را در پشت بوم خود حفظ کرده است؛ نشانی از زمانی که به‌عنوان بخشی از آثار هنری غارت‌شده به تصرف نازی‌ها درآمده بود.